

دو کوهه پیشرفت

«جزوه عصر روایتها»



«عصر روایت‌ها»

براساس مجموعه گفت‌وگوها و مقالات پیرامون اهمیت و ضرورت روایت در زمانه ما و امتداد تاریخی آن

تهیه و تنظیم: مرکز گفتمان‌سازی گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

آبان‌ماه ۱۴۰۱

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های امروز بسیاری از افراد معتقد به انقلاب اسلامی به این موضوع مهم برمی‌گردد که افراد نسبت خود با زمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند را فهم نکرده و مناسبات و اقتضائات آن را تشخیص نداده‌اند. چالش‌هایی از قبیل اینکه «آیا ما انسان انقلابی هستیم یا نه؟»، «آیا می‌توان کار اثرگذاری انجام داد یا نمی‌توان؟» و ... گواه همین امر است. در اهمیت فهم زمانه، احادیث زیادی را می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ احادیثی به این مضمون دلالت دارد که برای آگاهی انسان، همین شناخت زمانه کفایت می‌کند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «حَسْبُ الْمَرْءِ ... مِنْ عِرْفَانِهِ، عِلْمُهُ بِزَمَانِهِ^۱». همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده شده است: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ^۲»؛ خردمند، باید زمان خود را بشناسد. از نکات مهم در زمانه امروز، روایت‌ها هستند. «روایت»‌ها معمولاً به‌عنوان ارائه یا توصیف توالی وقایع در نظر گرفته می‌شوند. مسأله روایت و تنازع روایت‌ها از موضوعاتی است که در طول تاریخ همواره محل گفت‌وگو بوده است؛ چنان‌که در حال حاضر نیز پیرامون آن نظریه‌ها و بحث‌های زیادی مطرح است. لکن زمانه حاضر در نسبت با مسأله روایت، دارای یک خصیصه جدی است و آن اینکه روایت تبدیل به نقطه کانونی این زمانه شده است.

۲. زمانه ما و عصر روایت‌ها

۲-۱. زمانه روایت و جنگ شناختی

امروزه بسیاری از متفکرین بر این باور هستند که بشر پس از عصر ارتباطات، در دوران جدیدی از تمدن غرب قرار گرفته است و این دوران پسا عصر ارتباطات را، «عصر روایت» نام‌گذاری کرده‌اند؛ چنانکه پیش‌تر عصر هیومنیسم و بشر غربی، عصر پروتستانیسم و اصلاحات دینی، عصر رنسانس و روشنگری، عصر انقلاب صنعتی، عصر رمانتیسم و جنبش‌های هنری، عصر پست‌مدرنیسم و در نهایت ارتباطات. وضعیتی که امروز در آن قرار گرفته‌ایم، وضعیتی جدیدی است که تعابیر مختلفی درباره آن بیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها جنگ شناختی و عصر (جنگ) روایت‌ها است. بسیاری از آینده‌پژوهان در آینده نزدیک، پدیده‌هایی همچون متاورس، واقعیت افزوده، اینترنت اشیا، گوگل‌گلس و ... که وقتی انسان با آن‌ها مواجه می‌شود، مسائل حوزه شناختی و روایت‌ها

^۱ کشف الغمّة: ج ۳ ص ۱۳۷ عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۸۰ ح ۶۶.

^۲ الخصال: ۱۳ / ۵۲۵، معانی الأخبار: ۱ / ۳۳۴، الأمالی للطوسی: ۱۱۶۳ / ۵۴۰، مکارم الأخلاق: ۲ / ۳۸۳ / ۲۶۶۱ کلها عن أبي ذرّ، بحار الأنوار: ۷۱ / ۲۷۹ / ۱۹؛ صحیح ابن حبان: ۲ / ۷۸ / ۳۶۱ عن أبي ذرّ، کنز العمال: ۱۶ / ۱۳۳ / ۴۴۱۵۷.

اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. امروز جنگ‌ها بیش از آنکه ناظر به وجه سخت آن باشد، به سمت وجوه نرم آن سوق پیدا کرده است و جنگ روایت‌ها را امروز باید مهم‌ترین وجه جنگ‌ها حتی جنگ‌های سخت دانست و مفاهیمی از قبیل گفتمان‌سازی، تنازع گفتمان‌ها، مدیریت گفتمان‌ها، نقش رسانه‌ها و ... از مؤلفه‌های مهم آن به شمار می‌آیند. در این موضوع، کتاب‌های بسیاری توسط متفکرین نگاشته شده است و دانشکده‌های بسیاری در سراسر جهان به پا شده است تا پدیده روایت‌ها و مسائل شناختی آن از قبیل چگونگی شکل‌گیری روایت‌ها، چگونگی تنازع روایت‌ها، چگونگی غلبه پیدا کردن روایت‌ها، ویژگی‌های روایت غلبه یافته، چستی روایت دست‌اول و ... را مورد بررسی قرار دهند. بنابراین، زمانه ما زمانه جنگ روایت‌هاست و البته هدف این جنگ روایی، ادراکی و شناختی برهم‌زدن دستگاه تحلیلی افکار عمومی و تصمیم‌گیری او در جهت معادلات و منافع استعمار و استکبارگران است.

۲-۲. روایت مسیر انقلاب در بیانیه گام دوم

امروز، به دلیل فعالیت‌های دشمن در این عرصه علیه انقلاب اسلامی، جنگ روایت‌ها برای انقلاب اسلامی اهمیت زیادی پیدا کرده است، چنانکه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ساختار بخش اول آن پیرامون جنگ روایت‌ها و پرداختن به این است که روایت از مسیری که انقلاب اسلامی طی کرده است چیست و چه باید باشد. در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری تلاش کرده‌اند روایتی از انقلاب اسلامی ارائه دهند و مداوم به آن اشاره می‌کنند که دشمن به دنبال آن است به این روایت خدشه وارد کرده و روایت دیگری را جایگزین آن کند. چنانکه در بخشی از بیانیه ذکر می‌کنند:

«آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم‌واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی ناپود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود»^۳.

^۳ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

امروز، جبهه انقلاب در تنازع روایت‌ها دچار بحران روایت است و برای این چالش باید فکر و عزم جدی شکل گیرد. چراکه حرکت این جبهه در ارائه روایت انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون، متناسب با حجم هجمه‌های شناختی دشمن نیست؛ هجمه‌هایی هر کدام از آن‌ها می‌تواند لرزه‌های بنیادین در حوزه شناختی جامعه و ملت ایران به جای می‌گذارد.

۲-۳. جنگ روایت‌ها و فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی

اساساً انقلاب اسلامی از شروع آن، درگیر جنگ روایت‌ها بوده است و مهم‌ترین تقابل را حول محور دفاع مقدس می‌توان فهم کرد؛ آنجا که روایت فتح، به‌عنوان روایتی دست‌اول از جنگ ایران و عراق، با رویکرد انقلاب اسلامی شروع به روایت‌گری می‌کند، و جالب آنکه روایت فتح بیش از آنکه به فتوحات سرزمینی و پیروزی‌های رزمندگان در برابر رژیم بعث بپردازد، برایش فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی در دفاع مقدس اهمیت دارد. این فتح‌الفتوح به تعبیر امام خمینی علیه السلام، تربیت انسان‌هایی است که توانسته‌اند در این وضعیت دشوار و با دست خالی بر شرایط غلبه کنند و وارد فرایند کمال و تعالی شوند و در این مسیر به انسانی در تراز عرفان اسلامی تبدیل شوند. این روایت از جنگ را امام علیه السلام زمانی مطرح می‌کند که در جریان عملیات طریق‌القدس^۴، ایران برای بار اول به یک پیروزی قابل‌اعتنا دست پیدا می‌کند. پس از آنکه در طی نامه‌ای این پیروزی را به اطلاع امام خمینی علیه السلام می‌رسانند، ایشان در جواب این نامه بیان می‌دارند که فتح‌الفتوح واقعی تربیت این جوان‌هاست. مقام معظم رهبری از این اتفاق در نسبت با امروز جامعه ایران چنین یاد می‌کند:

امام بزرگوار ما در یک حادثه مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان‌هاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست؛ که در آن شرایط دشواری که همه دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، این‌ها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق‌القدس بود. من همین را تکرار می‌کنم: فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی این‌هاست.

^۴ عملیات طریق‌القدس از بزرگترین دستاوردهای تاریخ دفاع مقدس است که با اتحاد و یکپارچگی سپاه پاسداران، ارتش و جهادسازندگی شکل گرفت و سبب آزادسازی بستان و شکست نیروهای دشمن شد. این عملیات به منظور آزادسازی شهر «بُستان» و تأمین مرز و دسترسی به هورالهوریزه طراحی شده بود. عملیات طریق‌القدس عملیات تهاجمی نیروهای مسلح ایران، در خلال جنگ ایران و عراق بود، که در آذرماه ۱۳۶۰ به مدت ۸ روز در مناطق دشت‌آزادگان، بُستان و سوسنگرد، در استان خوزستان، انجام شد.

پیشرفت واقعی این است که جوان‌های ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند.^۵

مبتنی بر این اتفاق، تا امروز دو روایت و دو جریان بزرگ رقیب حول جنگ ۸ساله در ایران شکل گرفته است. جریانی که روایت فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی از جنگ ارائه می‌دهد و به انسان تربیت‌شده در انقلاب و جنگ می‌پردازد؛ افراد و مجموعه‌های برجسته‌ای چون مقام معظم رهبری، شهید سیدمرتضی آوینی و مجموعه روایت فتح، حاج حسین یکتا و مرحوم حجت‌الاسلام عبدالله ضابط در مجموعه راهیان نور، مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی در مجموعه حوزه هنری و ... جریان روایت فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی را در دفاع مقدس شکل می‌دهند. در مقابل جریان روایت فتح‌الفتوح، جریان رقیبی قرار دارد که عمدتاً منتسب به روشنفکران غرب‌گرا است روایت این جریان از دفاع مقدس، همچون روایت جنگی در کنار سایر جنگ‌های مرسوم دنیاست؛ جریان قدرتمندی که دارای نهادها و صنایع فرهنگی بسیاری از قبیل سینما، روزنامه، کتاب و ... است. در نزد این جریان، جنگ یکی از موقعیت‌های دراماتیک برای ساخت آثار هنری است و در هر جنگی پیروزی‌ها، شکست‌ها، کشته‌ها، فداکارهای وطن، قهرمان‌ها و ... وجود دارد که می‌توان از آن‌ها آثار هنری ساخت مانند جنگ‌های آمریکا که آثار هنری زیادی از آن‌ها ساخته شد. نمونه‌های دیگر از تنازع روایت‌ها در جامعه ایران را در حوادث و فتنه سال ۸۸ می‌توان سراغ گرفت که حول آن دو جریان گفتمان‌ساز در جامعه شروع به تولید روایت‌ها متفاوت و متضاد از یکدیگر کردند. دو جریان بزرگ روایت، تا امروز نیز با یکدیگر در نزاع هستند و اقشار مختلف جامعه ایران تربیت‌شده یکی از روایت‌های یکی از دو جریان هستند؛ به این معنا که در بستر این تنازع روایت‌ها تربیت شده‌اند. بنابراین این راویان و روایت‌هایی که ارائه می‌دهند از هر دو جریان گفتمان‌ساز، نقش تعیین‌کنندگی در وضعیت اجتماعی دارند و چگونگی ارائه روایت از پدیده‌ها را مدیریت می‌کنند.

^۵ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.

شکل ۱- جنگ شناختی و عصر روایت



۳. تنازع روایت‌ها در تاریخ اسلام

جریان‌های رقیب در حوزه روایت، تنها اختصاص به انقلاب اسلامی ندارد. هرچند که در زمانه حال، نزاع جریان‌های گفتمان‌ساز حول محور روایت دارای اختصاصاتی است اما می‌توان ریشه‌های چنین پدیده‌هایی را در تاریخ نیز جست‌وجو کرد. از قبیل جنگ‌های سه‌گانه پیامبر در بدر و احد و احزاب و پس از آن در جریان صلح حدیبیه و پس از آن در ماجرای غدیر و روایت ثقیفه.

۳-۱. تنازع روایت‌ها در جنگ بدر

به‌عنوان مثال، تاریخ اسلام نیز بسیار متأثر از جریان‌های روایت‌گر است. همچون زمانی که مسلمانان در جنگ‌هایی همچون بدر که از حیث قواعد مادی عالم در ضعیف‌ترین وضعیت ممکن بودند و نصرت الهی به آن‌ها رسید. این روایت که مسلمانان اگرچه به لحاظ مادی در جنگ‌ها در ضعف هستند اما با نصرت الهی همواره نسبت به دشمن در مقام برتری و غلبه قرار دارند از روایت‌هایی است که قرآن بر آن تأکید می‌کند. چنانکه قرآن در جریان جنگ بدر از وضعیت مسلمانان چنین تعبیر می‌کند: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (و بی تردید خدا در [جنگ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار

نفرت نسبت به دشمن] ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید.^۶ و خداوند مسلمانان را به نصرت خود برتری می‌دهد و در نهایت جنگ بدر به مغلوب شدن مشرکین ختم شد. در همین آیه خداوند تنازع دو روایت از وضعیت مسلمانان در برابر لشکر کفر را آشکار می‌کند و با تأکید به نصرت الهی، به برتری مسلمانان اشاره می‌کند.

۲-۳. تنازع روایت‌ها در جنگ اُحد

در قرآن، آیه ۱۲۱ سوره آل عمران تا تقریباً آخر این سوره در رابطه با جنگ اُحد است، اختصاص بالغ بر صد آیه به ماجرای اُحد بیانگر آن است که ماجرای نبرد اُحد دارای درس‌های بسیار آموزنده برای مسلمانان هر عصر است که فراگرفتن آن درس‌ها موجب عزت آنان خواهد بود. آنچه سبب شد در این مرحله از جنگ، اوضاع به نفع مشرکان تغییر یابد، این بود که مسلمانان به جای تعقیب دشمن تا پیروزی نهایی به دنبال جمع‌آوری غنایم رفتند و مهم‌تر این‌که بسیاری از پاسداران کوه عینین به همین منظور سنگر حساس خویش را ترک کردند. انتشار قتل پیامبر ﷺ به همان اندازه که به بت‌پرستان روحیه داد، در مسلمانان تزلزل ایجاد کرد و سبب شد که از میدان جنگ بگریزند و علت سستی و فرارشان را شایعه قتل رسول خدا بیان کنند و حتی بعضی از آنان به فکر بازگشت به دین پیشین خود و گرفتن امان‌نامه از ابوسفیان بودند. خداوند در پاسخ به آن‌ها فرمود: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾ (محمد هم‌چون پیامبران گذشته است. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود باز می‌گردید؟). در جریان جنگ اُحد که به وارد آمدن تلفات و رنج‌های زیادی به مسلمانان منجر شد، علی‌رغم آنکه قرآن مسلمانان را به دلیل عدم پیروی از دستور پیامبر مورد شماتت قرار می‌دهد، اما با این وجود خداوند بیان می‌دارند: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (و اگر مؤمنید سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید).^۷

۳-۳. تنازع روایت‌ها در جنگ احزاب

همچنین در جنگ احزاب که تمام جریان کفر و تمام جزیره العرب اعم از کافران و مشرکان و یهودیان به مقابله با مسلمانان به مدینه لشکرکشی کردند.^۸ علاوه بر افزونی تعداد لشکر کفر بر مسلمانان، عهدشکنی یهودیان

^۶ قرآن کریم، سوره آل عمران؛ آیه ۱۲۳

^۷ قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

^۸ قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

^۹ تعداد قبائل آن‌ها را تا ۷۰ قبیل و تعداد افراد آن‌ها را تا ۱۰ هزار نفر در مقابل جمعیت ۳ هزار نفره مسلمانان برشمرده‌اند.

هم‌پیمان با پیامبر و در محاصره قرار گرفتن مسلمانان نیز ایشان را از حیث گرسنگی و شرایط جوی همچون سرما در شرایط سخت و دشواری روحی و جسمی قرار داده بود^{۱۰} و منافقین نیز در این شرایط به توطئه علیه پیامبر روی آوردند تا آنجا که خداوند از وضعیت مسلمانان چنین تعبیر می‌کند: ﴿إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا﴾. «(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید^{۱۱}». در همین شرایط محاصره خداوند دو روایت از جنگ را بیان می‌کند؛ اول روایتی که دشمن و منافقین در آن می‌دمند و مردم را به واسطه آن می‌ترسانند: ﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا﴾ (و در آن وقت طایفه‌ای از آن کفار و منافقان دین گفتند: ای یثربیان، دیگر شما را جای ماندن نیست، باز گردید^{۱۲}). اما روایت دیگر، روایتی است که مؤمنان سعی دارند به مردم برسانند تا دل‌هایشان آرام شود و به نصرت الهی اعتماد کنند: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ (و مؤمنان چون لشکر و نیروهای کفار را به چشم دیدند گفتند: این همان است که خدا و رسول ما را وعده دادند و خدا و رسول راست گفتند، و این دیدار دشمن جز بر ایمان و تسلیمشان نیفزود^{۱۳}). همچنین در شرایطی که تبلیغات دشمن و پیام‌های منافقین که همه دلالت بر شکست مسلمانان و سقوط حتمی شهر دارد، پیامبر در مقابل آن، برای مسلمانان روایت دیگری از وضعیت آینده و اکنون مسلمانان را در ضمن ضربه زدن بر سنگی که مسلمانان در جریان حفر خندق از برداشتن آن ناتوان بودند، بیان می‌کنند^{۱۴}. این موضوع را معظم رهبری چنین شرح داده‌اند:

«قهرآ افکار عمومی وقتی که در یک مسئله‌ای فعال شد و صاحب‌نظر شد، به طور طبیعی جسم‌ها را به حرکت درمی‌آورد، ذهن‌ها را به حرکت درمی‌آورد، ابتکارها را وارد میدان می‌کند. به طور طبیعی در تبلیغ اسلامی، فرصت‌ها و تهدیدها برای مردم بیان می‌شود؛ دشمن‌ها و دوست‌ها برای مردم معین می‌شوند، شناسانده می‌شوند؛ اعتماد به نفس به مردم داده می‌شود؛ اینها در تبلیغ وجود دارد. شما تبلیغات پیغمبران را با آن شرایط

^{۱۰} دشمنان زیاد که از احزاب مختلف تشکیل شده بودند، مدینه را در محاصره شدید قرار داده بودند، و این محاصره حدود یک ماه طول کشید. مسلمانان در فشار سخت کمبود غذا قرار گرفتند، تا آن جا که طبق بعضی از روایات پیامبر ﷺ که مشغول کندن خندق بود، سه روز گرسنه ماند، و حضرت زهرا ع قطعه اندکی از نان خشک برای آن حضرت برد.

^{۱۱} قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۱۰.

^{۱۲} قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۱۳.

^{۱۳} قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۲۲.

^{۱۴} در هنگام حفر خندق، مسلمانان به صخره سختی برخورد کردند و پیامبر ضمن زدن سه ضربه به سنگ، با هر برقی که از ضرباتش نمایان می‌شد، مژده فتوحات آینده مسلمانان در شام، یمن و ایران را به آنان داد.

سختی که داشتند نگاه کنید؛ در سخت‌ترین شرایط در جنگ خندق که داشتند خندق می‌کنند- در یک ضلع مهمی از مدینه، مسلمانها خندق می‌کنند- گرسنه هم بودند، هوا هم بسیار گرم بود، خود پیغمبر هم با این‌ها مشغول بود؛ یک جا مسلمان‌ها رسیدند به یک سنگ سختی که هرچه کردند نتوانستند این سنگ را جابه‌جا کنند؛ به پیغمبر عرض کردند یا رسول‌الله اینجا یک سنگ خیلی سختی هست و نمی‌توانیم آن را حرکت بدهیم؛ حضرت خودشان تشریف آوردند آنجا، کلنگ را گرفتند، یک ضربه محکمی با کلنگ زدند و برق جست از این ضربه مهم؛ پیغمبر فرمود که من در این برق، کاخ کسری را دیدم که شما خواهید گرفت. شما ببینید! پیغمبر اکرم در چه شرایطی، در سخت‌ترین شرایط، می‌فرماید که من کاخ کسری را می‌بینم که شما می‌گیرید؛ من امپراتور روم را- در یک ضربه دیگر- می‌بینم که شما [شکست می‌دهید]؛ [یعنی] امید، اعتماد به نفس. البته نگاه پیغمبر با نگاه امثال ماها و امید دادن او و خبر دادن او با خبر دادن امثال ماها، زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ او می‌دید، به طور واقعی مشاهده می‌کرد، اما ما تحلیل می‌کنیم. امید و اعتماد، در تبلیغ باید وجود داشته باشد. برای یک ملت بدترین حادثه این است که اعتماد به نفس‌اش را از دست بدهد، امیدش به آینده را از دست بدهد^{۱۵}».

۳-۴. تنازع روایت‌ها در صلح حدیبیه

از دیگر نمونه‌های این تنازع در تاریخ اسلام در جریان صلح حدیبیه است که پس از سه جنگ بدر، احد و خندق روی داد و شرایط آن در ظاهر به نحوی رقم خورد که مسلمانان از این صلح ناراحت و دلچرکین و افسرده شدند^{۱۶} اما روایت قرآن در آیات سوره فتح متفاوت از روایتی است که مسلمانان دارند، بلکه تعبیر خداوند از این صلح به فتحی بزرگ و آشکار است: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ (به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم)^{۱۷}. خداوند بر خلاف سیر طبیعی تاریخی، روایتی را مطرح و نزد مسلمانان غلبه می‌دهد که مبدأ تحولات بزرگ تاریخی می‌شود؛ چنانکه این صلح مایه گسترش اسلام بواسطه تبلیغ آن توسط پیامبر و همچنین فتح مکه دو سال پس از این پیمان ۱۰ ساله به دلیل نقض عهد مشرکین بدون وارد آمدن تلفات و هزینه‌های بسیار و شکل‌گیری جنگ گردید و حرکت‌های منافقان برای گسترش روایت‌های دیگر از ناکامی مسلمانان در جریان

^{۱۵} بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۳۹۶/۱۰/۰۶.

^{۱۶} اتفاقاتی از قبیل پذیرش حذف «بسم الله الرحمن الرحيم» از ابتدای صلح نامه توسط پیامبر، ذکر بازگشت مسلمانان بدون زیارت خانه خدا به مدینه در آن سال و ورود به مکه در سال بعد در مفاد صلحنامه، پذیرش صلح در حالیکه مسلمانان بر دشمن غلبه داشتند از جمله آنکه بسیاری از افراد دشمن اسیر شدند اما پیامبر ایشان را آزاد کرد و ... از جمله مواردی بود که به ناراحتی برخی مسلمانان انجامید.

^{۱۷} قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۱.

صلح حدیبیه خشی گردید^{۱۸}. اینچنین است که غلبه دادن یک روایت در نزاع با سایر روایت‌ها می‌تواند منجر به تغییر حرکت تاریخی یک ملت شود و مبدأ یک تاریخ‌سازی شود.

۳-۵. تنازع روایت‌ها در ماجرای غدیر

از مثال‌های دیگر تاریخی در تنازع روایت‌ها، جریان غدیر است. واقعه غدیر حدوداً دو ماه پیش از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در سال ۱۰ قمری بود و در این بین تمام مردم در زمان رحلت پیامبر آن را در ذهن خود به یاد داشته‌اند؛ لذا این امر که غدیر در این مدت فراموش شده باشد، امری بعید است، چراکه مردمی که تا سال‌ها بعد روایت‌های پیامبر را از حفظ منتقل می‌کردند و تا پیش از اسلام حافظه مردمان عرب زبانزد بوده است^{۱۹}، نمی‌توانند چنین امر مهمی را که با تأکیدات فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده است فراموش کرده باشند؛ لذا در کودتایی نظامی که در جریان واقعه سقیفه رخ داد، بر خلاف امر خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله که پس از پیامبر امام علی علیه السلام جانشین ایشان تعیین شده بود، با ابوبکر به‌عنوان خلیفه مسلمین بیعت شد. اما آن چیزی که در کنار فضای خفقان آن دوران، مردم را به سمت پذیرش این امر پیش برد، ارائه روایتی متفاوت از واقعه غدیر بود توسط شورای سقیفه بود که تا امروز علمای اهل سنت مبتنی بر این روایت به خلفای سه‌گانه را مشروعیت می‌بخشند و شیعیان مبتنی بر روایت دیگری به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله به جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام کردند و اساساً دو جریان حق و باطل در پیکره جهان اسلام مبتنی بر نزاع روایت‌ها شکل گرفت. براین اساس، اهل سنت برای مشروعیت‌بخشی به حاکمیت و خلافت ابوبکر به اصل اجماع استناد کرده‌اند. این در حالی است که به نوشته تاریخ‌نگاران انتخاب ابوبکر مورد پذیرش عمومی نبوده است. پس از این واقعه افرادی مانند حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، فضل و عبدالله پسران عباس عموی پیامبر و نیز برخی اصحاب معروف پیامبر مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن عمرو، زبیر بن عوام و حذیفه بن یمان به برگزاری شورای سقیفه و نتیجه آن اعتراض کردند. شیعیان واقعه سقیفه و نتایج آن را بر خلاف سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر جانشینی امام علی علیه السلام به‌ویژه در غدیر خم، می‌دانند. این نزاع روایت‌ها صرفاً در اصل ماجرای غدیر خلاصه نمی‌شود، بلکه به غصب فدک و سرآغاز دشمنی با اهل بیت پیامبر می‌انجامد.

^{۱۸} به نحوی که گروهی از مسلمانان تا پیش از آمدن آیات سوره فتح در پی تحریک منافقین در مواردی از پیامبر نافرمانی کردند؛ چنانکه برخی پشت سر پیامبر نماز نخواندند و نماز شکسته را تمام خواندند.

^{۱۹} شطرنج‌بازی مردمان عرب در ذهن خود و در حالی که در سفر بر روی شتران خود سوار بوده‌اند، به عنوان مثال بارزی از حافظه اعراب همواره مطرح بوده است.

از مهم‌ترین تنازع روایت‌ها در این موضوع، خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام است که به نزاع با روایت سقیفه از امر خلافت می‌پردازد:

حضرت فاطمه علیها السلام: «... آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیا و آرامگاه اصفیا را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به‌آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید. این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراح التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و به‌راستی جهنم کافران را احاطه نموده است. این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، درحالی‌که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا به غیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود ... پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلب‌ها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنان که ستم کردند به‌زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد.

ابوبکر: ای دختر رسول خدا! به خدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گویند، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید ... حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.

حضرت زهرا علیها السلام: پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی‌گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به‌زور او را متهم نمایید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دام‌هایی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب

خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می اندازد، و می فرماید: زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و می فرماید: سلیمان از داود ارث برد».

براین اساس، مهم ترین کاری که جریان نفاق و سقیفه انجام دادند، تغییر روایت از غدیر بود که به تغییر حرکت تاریخی اسلام انجامید. همچنین هنگامی که ابوبکر زمام خلافت را بعد از پیامبر اکرم ﷺ به دست گرفت مورد اعتراض امیرالمؤمنین ﷺ و عده ای از یاران رسول خدا ﷺ قرار گرفت. ابوبکر برای خلافت خود به بیعت مردم در سقیفه و بر صحابه و یار نزدیک پیامبر بودن استدلال می کرد. حضرت علی ﷺ در رد سخن او فرمود:

«شگفتا! آیا خلافت به دلیل صحابی بودن ثابت شود ولی به دلیل صحابی بودن و نزدیک بودن و خویشاوندی ثابت نشود؟ اگر تو از طریق شورا زمام امور مردم را به دست گرفتی این چه شورایی است که در آن طرفهای مشورت (امثال من و بنی هاشم) غایب بودند؟ و اگر از طریق نزدیکی و خویشاوندی با پیامبر ﷺ استدلال کردی دیگران از تو به پیامبر ﷺ نزدیک ترند.»

نیز در آن هنگام که حضرت علی ﷺ را برای بیعت با ابوبکر به مسجد احضار کردند به او گفتند با ابوبکر بیعت کن فرمود:

من سزاوارتر و شایسته تر به این مقام هستم و بر شما سزاوار است که با من بیعت کنید ... من نزدیک ترین شخص به پیامبر ﷺ در زندگی و رحلتش هستم، من جانشین و یار و یاور و گنجینه اسرار و علم او هستم راست گویی بزرگ و بزرگ ترین جداکننده حق و باطل من هستم و من نخستین کسی هستم که به پیامبر ﷺ ایمان آورده و او را تصدیق کردم و در جهاد همراه او بهتر از همه شما صبر و مقاومت نمودم و از همه شما به قرآن و سنت آگاه ترم...».

متأسفانه بعد از رحلت پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ تهاجم بسیار گسترده ای علیه ولایت امام علی ﷺ آغاز گردید و بزرگ ترین هجمه ها علیه روایت غدیر بود، اما از آنجاکه نتوانستند این پیام بزرگ و پرفروغ آسمانی را نادیده بگیرند، پیوسته به تفسیرهای ناصواب و به دوراز منطق همچون تفسیر لفظ «مولا» به معنی نصرت و محبت و دوستی دست زدند تا شاید بتوانند این حدیث نورانی را تحریف کرده و کارهای توجیه ناپذیر خویش را توجیه کنند. براین اساس، پدیده عظیم غدیر و ولایت امیرالمؤمنین ﷺ، به مسأله توصیه پیامبر به محبت به اهل بیت ایشان و واگویی از سخن پیامبر ﷺ مبتنی بر «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» به دوستی با ایشان فروکاسته شد و روایت ناصحیح از سخن پیامبر توسط جریان سقیفه در میان مردم غلبه پیدا کرد و فضای خفقانی که در راستای کودتای نظامی و همراه با رعب و ترس در میان مردم شکل گرفته بود، مردم را به سمت پذیرش این روایت سوق

داد. این امر صرفاً به غضب خلافت منتهی نشد، بلکه پایه‌های حکومتی را بنیان نهاد که در مسیری خلاف جهت حکومت اسلامی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حرکت می‌کرد و منجر به بدعت‌های ناصواب در جامعه گردید.

۳-۶. تنازع روایت‌ها در ماجرای کربلا

از نمونه‌های مهم در تاریخ، باید به وقایع کربلا و به‌خصوص اتفاقات پس از آن اشاره کرد. این نزاع روایت‌ها در خصوص قیام اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام نه پس از کربلا و از زمان ورود کاروان امام به کربلا، بلکه از پیش از آن شروع می‌شود و در جریان واقعه کربلا و پس از آن ورود کاروان اهل‌بیت به کوفه و شام شدت می‌گیرد و در مدینه ادامه پیدا می‌کند. مهم‌ترین روایت دشمن از اینکه اقدام به شهادت رساندن امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام کرد، خروج علیه خلیفه مسلمین و خارجی دانستن و خوارج خواندن ایشان و کاروان ایشان بود؛ روایت کسانی که بر خلیفه شوریده‌اند و کسانی که برخلاف عقلانیت جهان اسلام، وحدت و نظم جامعه را خدشه‌دار کرده‌اند. این روایت دشمن از لحظه‌ای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از بیعت با یزید در مدینه سرباز زد، درباره‌ی ایشان شروع می‌شود و آرام‌آرام با ورود به مکه و پس از آن حرکت به سمت کربلا شدت می‌گیرد. در سوی دیگر، روایت اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام از قیام خود، امر به معروف، نهی از منکر و اصلاح امت جدش رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که از زمان خروج از مدینه، در منزلگاه‌های مختلفی آن را مطرح می‌کنند و در مکه با صحابی رسول خدا و بزرگان به‌صراحت و آشکارا آن را بیان می‌کنند و پس از آن در حرکت به سمت کربلا و تا روز عاشورا تنازع این دو روایت در جامعه اسلامی در حال بسط پیدا کردن است. لکن جریان اصلی تنازع این دو روایت بیش از هر چیز خود را پس از واقعه کربلا و در تقابل مستقیم راویان این دو روایت خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین نقاط این تقابل را باید در کوفه و شام دانست؛ آنجا که حضرت زین‌العابدین عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَام علیه ابن‌یزید خطبه خوانده و به معرفی اهل‌بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ریشه‌های ایشان و یادآوری سخنان پیامبر و منزلت اهل‌بیت پرداختند و به تبیین حرکت کربلا و معرفی دشمن پرداختند. از مهم‌ترین این تنازع‌ها در مناظره‌ای است که پس از آوردن اسرا به کوفه میان حضرت زینت عَلَيْهَا السَّلَام و ابن‌یزید رخ می‌دهد:

عبیدالله: ستایش خدا را که شما خانواده را رسوا ساخت و کشت و نشان داد که آنچه می‌گفتید دروغی بیش نبود.
زینب عَلَيْهَا السَّلَام: ستایش خدا را که ما را به‌واسطه پیامبر خود (که از خاندان ماست) گرامی داشت و از پلیدی پاک گردانید. جز فاسق رسوا نمی‌شود و جز بدکار، دروغ نمی‌گوید، و بدکار ما نیستیم بلکه دیگران‌اند (یعنی تو و پیروانت هستی) و ستایش مخصوص خداست.
عبیدالله بن‌یزید: دیدی خدا با خاندانت چه کرد؟

زینب علیها السلام: جز زیبایی ندیدم! آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود کشته شوند و آنان نیز اطاعت کرده و به سوی آرامگاه خود شتافتند و به زودی خداوند تو و آنان را (در روز رستاخیز) با هم روبه‌رو می‌کند و آنان از تو، به درگاه خدا شکایت و دادخواهی خواهند کرد، اینک بنگر که آن روز چه کسی پیروز خواهد شد، مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!

همچنین از دیگر مصادیق این تنازع، پس از آوردن اسرا و اهل بیت پیامبر به شام و در کاخ یزید است؛ آنجا یزید اشعاری که عبدالله بن زبَعرِی سهمی در زمان کافر بودن خود گفته بود و یادآور کینه‌های جاهلی بود خواند و چنین گفت:

«کاش بزرگان من که در بدر حاضر بودند و گزند تیره‌های قبیله خزرج را دیدند، امروز در این مجلس حاضر بودند و شادمانی می‌کردند و انتقام خود را از آنان گرفتیم...»

حضرت زینب در جواب او خطبه‌ای را ایراد فرمودند:

«یزید! چنین می‌پنداری که چون اطراف زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفتی و ما را به دستور تو مانند اسیران از این شهر به آن شهر بردند، ما خوار شدیم و تو عزیز گشتی؟ ای پسر آزادشدگان! آیا این عدالت است که زنان و دختران و کنیزکان تو در پس پرده عزت بنشینند و تو دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله را اسیر کنی و پرده حرمت آنان را بدری و آنان را بر پشت شتران از این شهر به آن شهر بدون سرپرست و محرمی بگردانی؟ می‌گویی کاش پدرانم که در جنگ بدر کشته شدند اینجا بودند و هنگام گفتن این جمله با چوب، به دندان پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌زنی؟ ابداً به خیالت نمی‌رسد که گناهی کرده‌ای و رفتار زشتی مرتکب شده‌ای! بی‌جهت شادی مکن! چون به زودی در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد، آن وقت است که آرزو می‌کنی کاش کور و لال بودی و این روز را نمی‌دید. و اما آن کسی که تو را چنین به ناحق بر گردن مسلمانان سوار کرد در محکمه الهی حاضر خواهد شد. در آن روز خواهی دانست که تو بدبخت‌تری یا پدرت معاویه. یزید! ای دشمن خدا! و پسر دشمن خدا! سوگند به خدا تو در دیده من ارزش آن را نداری که سرزنشت کنم و کوچک‌تر از آن هستی که تحقیرت نمایم.»

این روایت‌گری از آن جهت اهمیت می‌یابد که در عصر خود خلاصه نمی‌شود، بلکه تبدیل مهم‌ترین جریان‌های روایت در تاریخ اسلامی می‌شود که مابازای آن حرکت تاریخی جهان اسلام را تغییر و دگرگون کرده است. چراکه باقوت گرفتن این روایت از واقعه کربلا، ده‌ها جریان بزرگ اجتماعی خلق می‌شود و تا امروز نیز شاهد امتداد این جریان‌ها در عصر حاضر هستیم. در صورتی‌که تا پیش از شکل گرفتن این روایت و غلبه پیدا کردن، حتی شاهد یک حرکت اجتماعی در جامعه مسلمانان نیستیم. روایت‌گری حضرت زینب را باید در برابر دستگاه بزرگ تبلیغی بنی‌امیه فهم کرد تا به عظمت این مبارزه و غلبه یافتن این روایت بتوان پی برد؛ لذا اگر

نقش آفرینی و روایت‌گری قدرتمند حضرت امام سجاد علیه السلام^{۲۰} و زینب علیها السلام و جمعی دیگر از زنان اهل بیت پیامبر همچون حضرت ام‌کلثوم، حضرت سکینه، حضرت فاطمه صغری، حضرت رباب و ... نبود، جریان‌های اجتماعی نیز پس از آن و تا به امروز رخ نمی‌داد.

شکل ۲- تنازع روایت‌ها در رخدادها و وقایع تاریخی اسلام تا واقعه کربلا



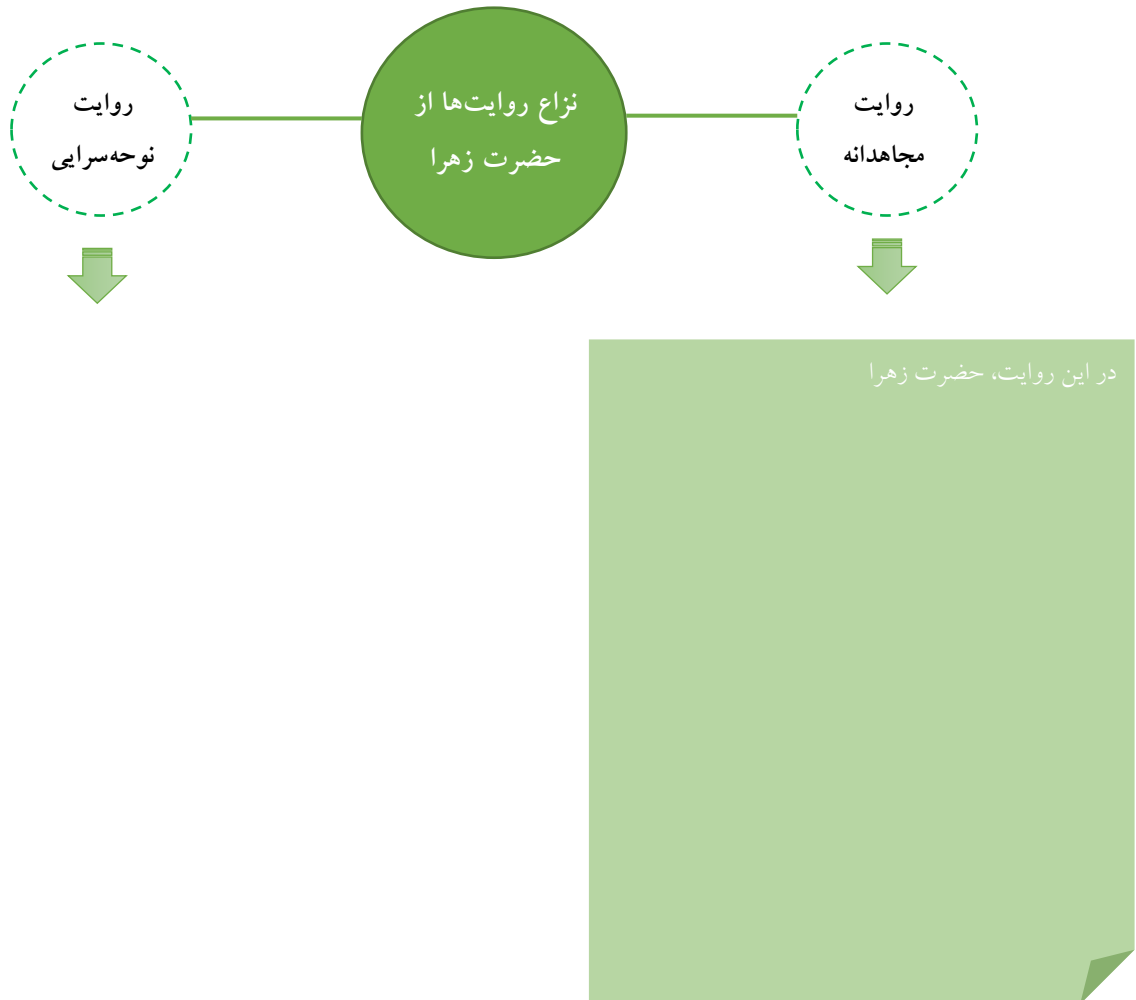
^{۲۰} بخشی از خطبه امام سجاد علیه السلام در شام:

«ای مردم! خداوند به ما شش خصلت عطا فرموده و ما را به هفت ویژگی بر دیگران فضیلت بخشیده است. به ما ارزانی داشت علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در قلوب مؤمنین و ما را بر دیگران برتری داد به اینکه پیامبر بزرگ اسلام، صدیق (امام علی علیه السلام)، جعفر طیار، شیر خدا و شیر رسول خدا (ص) و امام حسن و حسین (ع) دو فرزند بزرگوار رسول اکرم (ص) را از ما قرار داد. هر کس مرا شناخت که شناخت، و برای آنان که مرا نشناختند با معرفی پدران و خاندانم خود را به آنان معرفی می‌کنم. ای مردم! من فرزند مکه و منایم. من فرزند زمزم و صفایم. من فرزند کسی هستم که حجرالاسود را با ردای خود حمل و در جای خود نصب فرمود. من فرزند بهترین طواف و سعی‌کنندگانم. من فرزند بهترین حج‌گزاران و تلبیه‌گویان هستم. من فرزند آنم که بر براق سوار شد. من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر کرد. من فرزند آنم که جبرئیل او را به سدره‌المتهی برد و به مقام قرب الهی و نزدیکترین جایگاه مقام باری تعالی رسید. من فرزند صالح مؤمنان و وارث انبیا و از بین برنده مشرکان و امیر مسلمانان و فروغ جهادگران و زینت عبادت‌کنندگان و افتخار‌گریه‌کنندگانم ... او سید عرب است و شیر میدان نبرد و وارث دو مشعر، و پدر دو فرزند: حسن و حسین. آری او، همان او جدم علی بن ابی طالب علیه السلام است. من فرزند فاطمه زهرا بانوی بانوان جهانم. من فرزند حسین شهید کربلایم، من فرزند علی مرتضی و فرزند محمد مصطفی و پسر فاطمه زهرا، و فرزند خدیجه کبرایم، من فرزند سدره‌المتهی و شجره طوبایم، من فرزند آنم که در خون آغشته شد، و پسر آنم که پریان در ماتم او گریستند، و من فرزند آنم که پرندگان در ماتم او شیون کردند. و آنقدر به این حماسه مفاخره آمیز ادامه داد که شیون مردم به گریه بلند شد!»

۴. کدام روایت از الگوی زنان؛ حضرت زهرا علیها السلام

پیرامون حضرت زهرا علیها السلام و ابعاد مختلف زندگی او و نقش آفرینی ایشان روایت‌های متعددی ارائه شده است. لکن روایت غالب پیرامون ایشان ناظر است به احادیثی پیرامون ابعاد زندگی شخصی ایشان و نقش‌های همسری و مادری و نهایتاً نوحه‌سرایی‌های ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. اما در پس این روایت‌ها، روایت‌های دیگری وجود دارند که کم‌تر به چشم آمده‌اند و به گوش شنیده شدند و پیرامون آن‌ها ادبیاتی شکل نگرفته است. در صورتی که یکی از خلأهای امروز ما پیرامون نهضت زنان پیشرو، عدم روایت صحیح و کامل از شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام است.

شکل شماره ۳- نزاع روایت‌ها از شخصیت حضرت زهرا علیها السلام



۴-۱. روایت رهبری از جهاد حضرت زهرا علیها السلام

مهم‌ترین نکته به تعبیر مقام معظم رهبری در فهم شخصیت حضرت زهرا علیها السلام شکوه و عظمت جهاد حضرت زهرا علیها السلام است:

«از عبادت فاطمه زهرا علیها السلام سخن‌ها گفته شده و می‌دانیم، از وفاداری به شوهرش، از خانه‌داری‌اش، از فرزندداری‌اش، از احساس مسئولیتش در مقابل فرزندان، از دانشش، از آگاهی‌اش، از محبت رسول‌الله صلی الله علیه و آله به او، از ازدواج ساده و بی‌آلایشش، از جهیزیه کمش، از پشت‌پا زدنش به یک خصلت اصلی در وجود زن یعنی تجمل‌طلبی و زیورخواهی، این زهد عجیبش، از این‌ها چیزهایی شنیده‌اید. یک بُعد دیگر در زندگی فاطمه زهرا علیها السلام هست که اگر ما همه آن ابعاد دیگر را فراموش کنیم، این بُعد خود نمایشگر شخصیتی بس عظیم و بسیار باشکوه و فوق‌العاده با عظمت است و آن جهاد فاطمه زهرا علیها السلام است، جهاد. همین قدر فقط اطلاع داریم که این زن جوان نُه سال دوران ازدواجش طول کشیده و تمام این نُه سال شوهر جوان و محبوبش در میدان‌های جنگ بوده. تا آن‌جا که شمشیر است و میدان است و مرکب، تا آن‌جا که مرد است و مرگ است و خون است و آتش، علی علیه السلام پیش‌قراول و پیش‌آهنگ است. این زن جوان یک‌بار به شوهرش نگفت بابا خسته شدید، یک‌بار نگفت بس است، یک‌بار نگفت من هم دل دارم، یک‌بار خم به ابرو نیاورد، یک‌بار رو ترش نکرد. و من می‌گویم گرمی سخن و گرمی پذیرش زهرا موجب آن بوده است که امیرالمؤمنین گرم‌تر و مصمم‌تر بشود و جهاد علی علیه السلام تکمیل شد به جهاد زهرا علیها السلام. این مال زمان حیات پیغمبر. اما بعد از رحلت پیغمبر، [یک] زن جانش را فدا می‌کند برای این که حکومت به نااهل نرسد. اگر فاطمه زهرا علیها السلام، زن امیرالمؤمنین علیه السلام هم نبود قضیه همین بود. از شوهرش دفاع نمی‌کرد از زمامدار به حق دفاع می‌کرد. نمی‌گوید من حالا باردارم، بمانم چند روز دیگر آتششان فروکش کند، نه. لطفش در این همین است که در شدیدترین موقعیت‌ها، بزرگ‌ترین وظیفه‌ها انجام بگیرد و شدیدترین لطمه‌ها بر جسم و جان وارد بیاید. این زن نه فریب می‌خورد، نه تنبلی می‌کند، نه حاضر است به هیچ قیمتی رضایت بدهد. این است که زدند... وقتی که به هوش آمد نگفت مریضم. [باز] عصا، یا شخصی را عصا کردن، به مسجد رفتن، به گریه بسنده نکردن... بریده باد زبانی که شأن زهرا علیها السلام را از خطبه‌خوانی به نوحه‌سرایی تبدیل می‌کند. اگر خطبه زهرا علیها السلام را نگفتید، گریه زهرا هم معنی پیدا نمی‌کند. اگر نفهمیدیم که زهرا علیها السلام آن‌جا چگونه سخن گفته است، نمی‌فهمیم که گریه او به چه معناست. باز به همین هم اکتفا نمی‌کند. به گفته‌ای چهل شب، مرتب در خانه این مرد، در خانه آن آدم معروف، در خانه آن چهره سرشناس می‌رود... و که؟ آن زنی که به آن صورت سقط جنین کرده، آن زنی که ضربت دیده، آن زنی که آسیب خورده. این کارها همه یکسره یک مبارزه ممتد است، مبارزه‌ای از چند نوع با چند جلوه، مبارزه مثبت، مبارزه با جسم، مبارزه با

زبان، مبارزه با تلاش‌های پنهانی و نیمه شبانه، مبارزه با سخن گفتن با زنان. مصاحبه فاطمه زهرا با زنان انصار عجیب است. پر از مطالب اجتماعی، سرشار. [و] آخرش هم مبارزه منفی، در شب دفن شدن...»^{۲۱}.

۴-۲. نزاع روایت‌ها حول شخصیت حضرت زهرا علیها السلام

در بیانات، از حضرت زهرا علیها السلام در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت متفاوتی از روایت غالب بیان می‌شود؛ زمانی که صحابه و امت دچار فتنه شده و در این فتنه رو به کفر گراییده‌اند، دختر پیامبر به تنهایی در برابر این جریان بزرگ انحراف امت، ایستادگی می‌کند و مبارزه عظیمی را رقم می‌زند که تا اکنون ادامه دارد. روایت غالب که امروزه بسیاری از سخنرانان و مادحین در محافل و مجالس عزاداری برای اهل بیت ذکر می‌کنند، بیش‌تر رنگ و بوی نوحه‌سرایایی و صرف عزاداری دارد که در آن دختر پیامبر که برای جهان اسلام قابل احترام بوده است، مورد آزار و اذیت قرار داده و مظلومانه او را به شهادت رسانده‌اند. برخلاف روایت مجالس عزا، رهبری از همان واقعه روایتی ارائه می‌دهد که می‌تواند به برخاستن، حرکت کردن و مبارزه زنان منجر می‌شود و حرکت اجتماعی خلق کند. این امر نشان می‌دهد که از یک واقعه تا صدها سال بعد روایت‌های متنازعی ارائه می‌شود؛ روایت مبارزه دائم ۹۰ روزه در برابر روایت مظلومیت ۲ روزه.

در ذکر مصیبت‌هایی که غالباً معطوف به یک یا دو روز است، مجاهدت‌هایی همچون خطبه‌خوانی‌ها، مناظره‌ها، در خانه مهاجر و انصار رفتن و خانه‌به‌خانه چرخیدن، جلسات متعدد با صحابه و زنان مهاجر و انصار، بهره‌گیری از گریه‌های حزن‌آلود و ساماندهی آن برای بهم ریختن مدینه و اعلام مبارزه با غاصبان خلافت، برپایی بیت‌الأحزان در ورودی شهر مدینه و ... همه به فراموشی سپرده می‌شود.

در این روایت، حضرت زهرا علیها السلام شخصیت اول یک مبارزه است؛ در زمانه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام باید سکوت کند و مصلحت در سکوت اوست، زهرای مرضیه علیها السلام تنها کسی است که باید روایت متفاوتی از اتفاقاتی همچون غدیر و تحولات پس از رحلت پیامبر ارائه دهد که سبب نامشروعیت خلافت هرکسی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام شود.

^{۲۱} این سخنرانی که در سال‌های اول دهه پنجاه شمسی ایراد شده، از آرشیوهای مردمی پروژه تاریخ شفاهی متعلق به دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به دست آمده است.

۳-۴. ضرورت روایت برای مبارزه با ظلم

همچون این واقعه، نزاع روایت‌ها امروزه در فهم واقعه کربلا نیز اثرگذار است؛ روایت صرفاً حزن‌آلود از کربلا در برابر روایت حماسه و مرثیه از این واقعه؛ آن روایتی از این واقعه به حرکت اجتماعی می‌انجامد که هر دو ساحت را در برگیرد. ممکن است در روایت نوحه‌سرایی، علی‌رغم ذکر مصیبت و اشک‌هایی که مردم برای آن می‌ریزند اما چه‌بسا که دشمنان اسلام از آن استقبال کرده و با آن همراهی کنند؛ به‌نحوی که از ضد‌ظلم‌ترین واقعه تاریخ، روایتی ارائه می‌شود که خودش تبدیل به بخشی از روند ظلم می‌شود. چراکه، اجازه ایجاد حرکت اجتماعی برای مبارزه با ظلم را نمی‌دهد و جامعه را سرگرم روایتی می‌کند که صرفاً احساس دارد اما از تعقل و شور قیام برای مبارزه با ظلم تهی است، تکلیفی را متوجه کسی نمی‌کند، نسبت به زمانه اکنون منقطع است و منحصر در یک واقعه تاریخی کوتاه است. براین اساس، در ضرورت روایت همین بس که هم می‌تواند حرکت اجتماعی خلق کند، عبرت‌آفرین است، تبارمند و هویت‌زاست، امتداد دارد، از بطن تاریخ تا به امروز را می‌پوید، در دل‌ها طلب تحول و تغییر ایجاد می‌کند، انسان‌ها را متوجه تکلیفی می‌کند که برای آن باید به پا خیزد و ...

۵. روایت وضع موجود با رویکرد فرصت‌شناسانه

از چالش‌های روایت کردن وضع موجود جامعه ایران در عرصه‌های گوناگون، روایت از نقطه آسیب‌شناسانه است. اگرچه آسیب‌شناسی امر مهمی است و در حوزه‌های مختلف ضرورت دارد که انجام شود اما غلبه پیدا کردن در روایت امروز از ایران و روند حرکت مردم آن تا به امروز، از خطاهای روایت‌گری است که امروز این رویکرد در جبهه انقلاب نیز بسط پیدا کرده است و این امر خود از تفاوت‌های نظام اندیشه‌ای مقام رهبری با بسیاری از تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران جبهه انقلاب است. غلبه نگاه آسیب‌شناسانه، در نهایت به این امر ختم می‌شود که چگونه جلوی جنبش‌های اجتماعی گرفته شود؛ چراکه در نگاه آسیب‌شناسانه جنبش‌ها به‌عنوان نقطه تهدید فرض می‌شود. اما با رویکرد فرصت‌شناسانه که در اندیشه رهبری بسیار می‌توان از آن سراغ گرفت، در حوزه‌های مختلف روایت امیدوارانه از وضعیت کشور می‌دهند؛ این امر را به‌خصوص درباره نسل جوان و جدید در اندیشه ایشان برجسته است:

«وقتی جوان‌ها وارد میدان شدند، این امانتی را که دست آن‌ها سپرده شده است، این اعتمادی را که

به آن‌ها شده است، دست‌به‌دست در طول زمان به یکدیگر منتقل می‌کنند؛ و همین اتفاق افتاده است. شاید

نود درصد شماها که اینجا هستید، نه دوران امام را دیده‌اید، نه امام را مشاهده کرده‌اید، اکثرتان جنگ را ندیده‌اید اما روحیه، همان روحیه است ... روحیه امروز جوان‌های ما همان روحیه جوان‌های آن وقت است؛ با این تفاوت که آن‌ها آن وقت در وسط کوره انقلاب بودند، امروز آن [شرایط] نیست، درعین حال آن روحیه هست. تفاوت دیگر اینکه بصیرت و آگاهی و تجربه‌ای که جوان‌های ما امروز دارند، آن روز وجود نداشت؛ یعنی ما پیش رفته‌ایم. امام سرنوشت انقلاب را سپرد به شما جوان‌ها^{۲۲}. جوان‌های مؤمن امروز ما و کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، نه انقلاب را درک کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، انگیزه‌شان، همتشان از جوان‌های دوره دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ این را بنده از روی علم و اطلاع عرض می‌کنم؛ تحلیل و حدس نیست^{۲۳}».

در مقابل این روایت، روایت‌های کاملاً متقابلی در نهادهای فرهنگی و سیاست‌گذار وجود دارند که اساساً در نسبت با نسل جوان جدید، قائل به انقطاع نسلی و عدم آشنایی جوانان و نوجوان جامعه با مفاهیم و ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند. طبیعتاً خروجی چنین نگرشی محصور کردن جوانان به مشغولیت‌هایی غیر از مشغولیت‌های سیاسی است که در آن بستر تفکر و حرکت جوان شکل می‌گیرد. وقتی روایت نهادهای فرهنگی و امنیتی ما از جوانان نسل جدید، روایت انقطاع نسلی باشد، طبیعتاً باید جوان را از کنش در حوزه سیاسی دور کنند چرا که فرض اصلی این است که او با ارزش‌های انقلاب فاصله دارد و کنش او در راستای انقلاب اسلامی نخواهد بود؛ لذا به جای آنکه به او اجازه حرکت دهند، دائماً سعی در کنترل او و برجسته کردن نقاط ضعف این نسل دارند.

امروز روایتی که با نگاه آسیب‌شناسانه به حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی ورود پیدا کرده است، غلبه بسیاری زیادی به روایت برآمده از اندیشه امام علیه السلام و رهبری دارد؛ لذاست که بسیاری از راه‌کارها در این حوزه، راه‌کارهای مقطعی و ضربتی و غالباً با هدف حفظ نظام می‌باشد و برنامه‌ریزی‌ها بلندمدت ناظر به رویکرد فرصت‌شناسانه همواره به محاق می‌روند. این روایت اشتباه از مردم، سبب می‌شود که برنامه‌ریزی نیز اشتباه شود. در صورتی که اگر روایت آسیب‌شناسانه از مردم، جای خود را به روایت فرصت‌محور بدهد اساساً برنامه‌ریزی‌ها نیز متفاوت خواهند بود؛ روایتی که در آن با بهترین مردمان تاریخ مواجهیم که از ابتدای اسلام تا به امروز امتی چنین آماده را نمی‌توان سراغ گرفت که با آرمان‌های انقلاب عهد ببندد و بر آن ایستادگی و پافشاری کند، چنین با طاغوت

^{۲۲} بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۰۹/۰۳.

^{۲۳} بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم ۱۳۹۲/۰۲/۲۵.

مبارزه کند و در این مسیر تا این میزان مقاومت کند. در صورتی که در نگاه آسیب‌شناسانه، مردم امروز ایران، بدترین مردم در تمام دوران بوده و قدر انقلاب اسلامی را نمی‌دانند.

شکل ۴- رویکردهای روایت‌گری

